

آقای دکتر؛ خدانگهدار



ابوالفضل مفاهری
دبیرگروه دانشگاه

ساعت نزدیک به ۴ بعدازظهر است. نشسته‌ام روبه‌روی در ورودی شبستان. اعضای هیئت رئیسه دانشگاه آزاد مثل همه شنبه‌ها جمع هستند. در همان زمان همیشگی جلسات اما در مکان متفاوت. خبری از لیختن‌ها و بحث‌های کاری همیشگی نیست. خبری از رئیس جلسه نیست؛ این بار نه ارائه‌ای در کار است که پاورپوینتش روی نمایشگر به نمایش درآید، نه حساب و کتابی که تخته وایت‌برد آخر جلسه پر و خالی شود. این بار چشم‌ها هستند که پر می‌شوند و سرریز می‌کنند. اشک‌ها هستند که کیفیت دید را کم می‌کنند. نگاه‌ها هستند که به انتهای شبستان امام خمینی (ره)، به لیختن تصویری روی لبه طاقچه پنجره خیره می‌شوند. اداره جلسه دیگر برعهده او نیست اما همه‌جا، روی شونه‌ها و در آغوش‌ها، پشت میکروفن، روی دست زنان و مردان حرف از اوست. از کسی که هفت سسال برای دانشگاهی زحمت کشید که خیلی‌ها از آن قطع امید کرده بودند. دانشگاهی که به لحاظ مالی در ابتدای سرارشیبی سقوط بود. بزرگ‌ترین مجموعه آموزش عالی که زمانی نامش همراه با لطیفه‌های کنایی می‌آمد که نشان می‌داد تأثیرش بسیار محدودتر از وسعتش باقی مانده. گفتن از شرایط دیروز و مقایسه آن با شرایط امروز دانشگاه برای من لااقل کار سختی نیست. حساب درس پس دادن است محضر استادی که حالا دیگر نیست که در «روایت تحول» با او برای دقایقی کوتاه و مختصر هم که شده همقدم باشم. اما مهم‌تر از این تغییرات که باید به جای خود به آن پرداخت و از اهمیت آن گفت و تداوم آن را برای ساختن دانشگاه آزاد گام دوم مطالبه کرد، خداحافظی با مردی است که به آرزویش رسید. شهیدی که در همه این سال‌ها در مقام استاد نه در یک کلاس درس، بلکه در محیط رسانه پشوانه قوی برای گروه دانشگاه فرهیختگان بود. نه مثل بسیاری از اهالی دانش نسبت به رسانه بی‌تفاوت بود و نه آن را برای خود خرج کرد. برای علم در فضای رسانه هم دغدغه داشت و آن را مکمل کار پژوهشگران می‌دانست. در فضای پرچالش و مشغله‌ای چون دانشگاه آزاد در زمانی که از کار علمی خود دست نکشیده بود و حوزه جدیدی را برای پاسخ به نگرانی‌هایش نسبت به علم ایران با جدیت دنبال می‌کرد، برای رسانه هم فرصت داشت و هم حمایت کرد و هم انگیزه می‌داد.

صحبت از استادی است که حتی در نمایشگاه «روایت تحول» که اغلب روایت ایده‌های اوست که مسیر دانشگاه آزاد را تغییر داد، می‌خواست آنچه «فناوری اصلاح نظام آموزش عالی» می‌نامید، ارائه شود. دغدغه‌های بزرگی برای وطن داشت و دانشگاه آزاد را مسیری برای تحول در آموزش عالی ایران می‌دید؛ نه پله‌ای برای رسیدن به مقام و منصب بالاتر.

برای من و امسال منی که تجربه همزیستی و رفاقت با سبک‌بالان عاشق دهه ۶۰ را نداشتند، هم‌صحبتی با رئیس شهید دانشگاه آزاد فرصت مغتنمی بود تا آنچه در خاطرات جاماندگان شنیده بودم، از نزدیک نظاره کنم. ساعت نزدیک به ۴ است. او اکنون، آنچنان که می‌خواست به دست جنتیکارترین رژیم سیاسی تاریخ بشر به شهادت رسید و آرام گرفت. من هنوز خیره پرچم مشکی و گل‌های پرپری هستم که لحظه‌ای کنارش خلوت نمی‌شود. چه تجربه عجیبی. بابت همه‌چیز ممنون و خداحافظ آقای دکتر!

خداحافظ رفیق

پیکر مطهر شهید محمد مهدی طهرانچی

در حرم حضرت عبدالعظیم الحسنی^(ع) به خاک سپرده شد